



The Record of Deeds in Sadra's Philosophical System

Ali Reza As'adi*

Received: 14/01/2017

Accepted: 09/06/2017

Abstract

One of the religious teachings in eschatology is the records of deeds which, according to Quranic verses and traditions, includes all man's deeds, intentions, and beliefs, and will be given to our left or right hand on the Resurrection Day, depending on their contents and types. Since such records cannot be in the form of a worldly book and notebook, Muslim scholars are faced with the question as to what is the reality and nature of these records. Mulla Sadra's philosophical explanation about the records of deeds which regards man's soul and heart as the reality of these records, is one of the important answers given to this question. While indicating different views regarding the records of deeds, the present paper discusses Mulla Sadra's philosophical explanation and explains its foundations and outcomes; it then shows that such an explanation not only suffers from some ambiguities in terms of its internal correspondence with the Sadrian system of philosophy, but also necessitates some contemplation about its correspondence with religious teachings.

Keywords:

record of deeds, resurrection, Mulla Sadra, embodiment of actions, transcendent philosophy.



نامه عمل در نظام حکمت صدرایی

علیرضا اسعدی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۹

چکیده

از آموزه‌های دینی در حوزه معادشناسی نامه عمل است که بر اساس آیات و روایات در بردارنده همه اعمال، نیت‌ها و باورهای انسان است و در قیامت بسته به نوع آن‌ها از سمت راست یا چپ به او داده می‌شود. با توجه به این که این نامه نمی‌تواند از سنخ کتاب و دفتر دنیوی باشد، دانشمندان مسلمان با این پرسش روبه‌رو شده‌اند که حقیقت نامه عمل چیست. یکی از پاسخ‌های مهم به این پرسش، تبیین فلسفی حکیم الهی ملاصدراست که حقیقت نامه عمل را روح و قلب انسان می‌داند. این مقاله، ضمن اشاره به دیدگاه‌های گوناگون در باب نامه عمل، به گزارش تبیین فلسفی ملاصدرا و بیان مبانی و نیز ثمرات تبیین او می‌پردازد و سپس نشان می‌دهد که این تبیین نه تنها از حیث سازگاری درونی با نظام فلسفه صدرایی از ابهاماتی برخوردار است، از جهت همخوانی با آموزه‌های دینی نیز با تأملاتی روبه‌روست.

کلیدواژه‌ها

نامه عمل، معاد، ملاصدرا، تجسم اعمال، حکمت متعالیه.

مقدمه

یکی از مراحل حسابرسی در قیامت، ارائه پرونده اعمال به انسان است. بر اساس آیات و روایات تمام اعمال و رفتار، سخنان، حرکات و حتی نیت‌های انسان ثبت و ضبط می‌شود:

انا نحن نحیی الموتی و نکتب ما قدّموا و آثارهم و کل شیء احصیناه فی امام مبین؛
به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آن چه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آن‌ها را
می‌نویسیم و همه چیز را در کتاب آشکارکننده‌ای برشمرده‌ایم (سوره یس، آیه ۱۲).

بر اساس برخی آیات نه تنها اعمال و نتایج آن‌ها، بلکه اندیشه‌ها و تدبیرهای نیمه‌شب ما نیز ثبت و ضبط می‌شود (سوره نساء، آیه ۸۱). هم‌چنین فرشتگان خداوند هر سخنی را که انسان بر زبان آورد و حتی اسرار نهانی و نجواهای او را می‌نویسند (سوره ق، آیه ۱۷-۱۸ و سوره زخرف، آیه ۸۰) و از هیچ کوچک و بزرگی فروگذار نمی‌کنند (سوره کهف، آیه ۴۹).

حاصل آن که بر اساس آیات قرآن کریم همه اعمال انسان در مجموعه‌ای گردآوری می‌شود و در قیامت خداوند در مقام احتیاج با انسان، آن را در مقابل او می‌نهد و از او می‌خواهد تا خود در مورد خودش داوری کند: «إقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً؛ (و به او می‌گوییم) کتابت را بخوان، کافی است که امروز خود، حسابگر خویش باشی» (سوره اسراء، آیه ۱۴).

بی‌شک نامه عمل که در قرآن کریم از آن به کتاب (سوره اسراء، آیه ۱۳؛ سوره کهف، آیه ۴۹)؛ زُبُر (سوره قمر، آیه ۵۲)؛ طائر (سوره اسراء، آیه ۱۳)؛ صُحُف (سوره تکویر، آیه ۱۰) نیز تعبیر شده است؛ از سنخ کتاب و دفتر دنیوی نیست و چنین نیست که ثبت و ضبط رفتارهای انسان از راه نوشتن صورت پذیرد؛ زیرا در این صورت، کتابی که در بردارنده اعمال عمر یک شخص است کتابی بسیار پر حجم خواهد بود که به آسانی قابل مطالعه نیست، در حالی که بر اساس روایات، اعمال انسان در نامه عمل چنان ثبت است که با نگاهی می‌توان بر آن آگاهی یافت.

افزون بر این، دست‌نوشته‌ها در دنیا ممکن است از سوی نویسنده انکار شود، ولی خطوط نامه عمل قابل انکار نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۸۲). بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که حقیقت نامه عمل چیست. مفسران و متکلمان در تفسیر آن اختلاف نظر دارند. علامه طباطبایی با استشهاد به، آیه ۳۰ سوره آل عمران که می‌فرماید: «یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضراً و ما عملت من سوء» بر این باور است که نامه اعمال در بردارنده حقایق اعمال

انسان است نه خط‌ها و نوشته‌هایی که طبق قرارداد و اصطلاح، بر مفاهیم معینی دلالت دارند (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۳، ص ۵۵).

نظریه دوم این است که نامه اعمال، آثار تکوینی اعمال انسان است که در آخرت آشکار می‌شود. طبق این تفسیر، اعمال همان‌گونه که در درون جان انسان اثر می‌گذارد در عالم بیرون و در فضا و هوای اطراف، در زمینی که بر آن زندگی می‌کند و بلکه در همه چیز اثر دارد و گویی بر آن‌ها نقش می‌بندد. نقوش طبیعی و غیر قابل انکاری که به وسیله قوا و نیروهای عالم هستی و فرشتگان در دل این موجودات ثبت می‌شود و در قیامت با برداشته شدن پرده‌ها، آشکار می‌شوند. این آثار از تمام محیط بیرون جمع آوری می‌شود و به صورت فشرده به فاعل آن اعمال داده می‌شود و با یک نگاه در آن می‌توان حال آن شخص را یافت؛ نظیر فسیل‌ها و سنگ‌واره‌هایی که از جانداران میلیون‌ها سال قبل به جای مانده و نه تنها شکل آن‌ها را ترسیم می‌کند که بسیاری از حقایق زندگی آن‌ها را می‌توان از این سنگ‌واره‌ها و فسیل‌ها دریافت و در واقع، سنگ‌های زمین، نامه اعمال و اشکال آن حیوانات است، اما با خطوطی نوشته شده است که برای هیچ کس قابل انکار نیست.

باید توجه داشت که تعبیر «خواندن» نیز که در مورد نامه اعمال به کار رفته است، مفهوم وسیعی دارد که هرگونه مشاهده را در معنای وسیعش در بر می‌گیرد، نظیر «در چشم‌های تو این تصمیم را خواندم». چنان‌که در مورد عکس‌های رادیولوژی نیز تعبیر خواندن به کار می‌رود. بر اساس این نظریه هرچند به طور قطع نمی‌توان گفت که نامه عمل در قیامت این‌گونه است؛ زیرا ما از قیامت و مسائل مربوط به آن تنها شبحی می‌بینیم، ولی از پاره‌ای جهات اثر طبیعی بودن می‌تواند همانند آن باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۵۶-۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۸۳-۸۵).

بر اساس سومین نظریه در این مسئله، نامه عمل، ضمیر باطن یا وجدان مخفی انسان است. چنان‌که در روان‌شناسی به اثبات رسیده که اعمال انسان در وجدان مخفی یا شعور ناآگاه او اثر می‌گذارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۸۵).

نظریه چهارم، نامه عمل را کنایه از قلب و روح انسان می‌داند که آثار اعمال او در آن نقش می‌بندد. این نظریه که ملاصدرا نیز در آثار خود به آن پرداخته است، موضوع این مقاله است که در ادامه، ضمن تبیین بیشتر نظریه ملاصدرا و بیان مبانی و مقدمات و نیز آثار و ثمرات این نظریه، آن را بررسی و نقد خواهیم کرد.

حقیقتِ نامه عمل

ملاصدرا نامه اعمال را از جمله مواظن و مواقف قیامت شمرده و در مواضع متعددی به تبیین دیدگاه خود در این مسئله پرداخته است. او قلب و روح هر انسانی را کتاب و نامه عمل او می‌داند و در بیان حقیقت آن چنین توضیح می‌دهد که افعال و سخنان و هر چیزی که حواس ما در این دنیا با آن برخورد می‌کند نظیر شنیدنی‌ها، دیدنی‌ها، بوییدنی‌ها و... اثری در نفس ما می‌گذارند و حالتی قلبی پیدا می‌شود که مدت زمانی باقی می‌ماند. این آثار به تدریج پدید می‌آیند و در نفس جمع شده و از حال به ملکه تبدیل می‌شوند. از آنجا که اشتداد در کیفیت به حصول صورتی جوهری منتهی می‌شود که آن صورت مبدأ پیدایش نظیر همان کیفیت می‌گردد، کیفیات نفسانی وقتی شدت پیدا می‌کنند، ملکه‌ای راسخ یعنی صورتی نفسانی حاصل می‌شود که دارای آثار مختص به آن کیفیات است و به سبب آن صورت به آسانی فعل مناسب با آن از او صادر می‌گردد. آثاری که در قلب و روح انسان پدید می‌آید به منزله نقش‌ها و نوشته‌های حاصل در مکتوبات و نامه‌هاست. ملاصدرا با استشهاد به آیه شریفه «اولئک کتب فی قلوبهم الایمان» (سوره مجادله، آیه ۲۲) تأکید می‌کند که در زبان شریعت به قلوب و ارواح نامه عمل اطلاق شده است. این نقش و نگارها از دیدگاه ملاصدرا افزون بر قابل و پذیرنده که همان روح و قلب انسان است، فاعلی نیز می‌خواهند و آن کرام‌الکاتبین است که به دلیل منزله بودن ذات و فعل آن‌ها از ویژگی‌های اجسام و مواد طبیعی، به این نام خوانده شده‌اند.

کرام‌الکاتبین فرشتگانی هستند که اعمال و سخنان بندگان را ثبت و ضبط می‌کنند: «ان علیکم لحافظین کراماً کاتبین» (سوره انفطار، آیه ۱۰-۱۱). این فرشتگان دو دسته‌اند: ملائکه یمین و ملائکه شمال که به دستور خداوند اعمال را از جانب راست و چپ ما ثبت می‌کنند. کسانی که نامه عمل آن‌ها از جنس علوم و اعتقادات صادق و اخلاق حسنه است، از سمت راست و کسانی که نامه عمل آن‌ها از جنس اکاذیب باطل و صفات شیطانی و شهوات حیوانی و ریاسات دنیوی است، از سمت چپ آن را دریافت می‌کنند. نامه عمل دسته دوم چون مشتمل بر دروغ و غلط و هذیان است، سزاوار سوختن با آتش است.

با این وصف، هر عملی را که انسان انجام دهد، هرچند کوچک، چه خیر باشد و چه شر، اثر آن را مشاهده خواهد کرد که در صحیفه ذات او یا صحیفه‌ای برتر از آن که مراد از آن علل ما هستند، برجای

مانده است: یعنی در مراتب علمی صور بالاتر از ما نیز نوشته می‌شود و آن‌ها هم به اعمال ما عالم می‌شوند. چنانکه خداوند می‌فرماید: «فی صحف مكرمة مرفوعة مطهرة...» (سوره عبس، آیه ۱۳-۱۴). ملاصدرا پس از این توضیحات، تصریح می‌کند که ظهور آثار اعمال انسان در نفس به معنای نشر کتب است؛ زیرا با مرگ پرده‌ها کنار می‌رود و آن چه از او غایب بود آشکار می‌گردد. آیه شریفه «و إذا الصحف نشرت» (سوره تکویر، آیه ۱۰)، اشاره به این حقیقت است که انسان با کنار رفتن پرده‌ها به باطن خود و صحیفه قلبش توجه می‌کند و همه چیز برای او آشکار می‌گردد. کسی که در دنیا از ذات خود غافل بوده با تعجب می‌گوید: «ما لهذا الكتاب لا یغادر صغيرة و لا كبيرة إلا أحصیها و وجدوا ما عملوا حاضرا و لا یظلم ربك أحداً» (سوره كهف، آیه ۴۷). (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۰-۲۹۱).

بخش عمده‌ای از مطالب ملاصدرا ذیل بحث نامه عمل در اثبات این مدعای اوست که اعمال، اخلاق و سخنان انسان در نفس او تأثیرگذار است. او در مواضع متعددی آیه شریفه «إنه عمل غیر صالح» (سوره هود، آیه ۴۶) را که خداوند در آن به فرزند نوح اشاره دارد و نیز روایت «خلق الله الكافر من ذنب المؤمن» را شاهد مدعای خود مبنی بر تأثیر اعمال در نفس شمرده و تأکید می‌کند که در قرآن کریم آیات بسیاری دلالت می‌کند که آن چه در آخرت به انسان می‌رسد، جز غایت افعال و صور اعمال و آثار ملکات او نیست و جزا تنها خود عمل است: «ولا تجزون الا ما كنتم تعملون» (سوره یس، آیه ۵۴)، «انما تجزون ما كنتم تعملون» (سوره تحریم، آیه ۷) و نفرمود: مما كنتم تعملون.

ملاصدرا در توضیح این مطلب می‌نویسد که مواد سازنده نبات، حیوان و انسان عناصرند؛ برای مثال، ما در دنیا آب می‌نوشیم و آب از عناصر ساخته شده است، اما مواد اشخاص اخروی و متعلقات آن‌ها و آن چه به منزله بذر درختان و نطفه حیوانات و هیولا برای عقلیات است، تصورات باطنی، تخیلات نفسانی و تأملات فکری و عقلی است؛ زیرا سرای آخرت و آن چه در آن است از جنس دنیا نیست. آن چه در دنیا است، ماده‌ای جسمانی دارد که صورتی یا نفسی از خارج و به کمک اسباب خارجی یا اوضاع و حرکات فلکی بر آن عارض شده است و اجسام حیوانی آن‌ها حیاتی عرضی دارد. در حالی که بهشت‌ها و درختان و... که در آخرت وجود دارد خودشان بعینه صورت‌های معلق قائم به ذات هستند که حیات آن‌ها ذاتی آنهاست و هر نفس انسانی با همه آن چه به آن تعلق دارد نظیر حوریان، قصرها، درختان و... همه به وجود واحدی موجودند و به

حیات واحدی زنده‌اند. و همه آن‌ها - به‌رغم وحدت شخصی - متکثر الصورتند. وقتی انسان از دنیا جدا شد و این پرده‌ها برداشته شد، چشم او تیز می‌گردد و کتاب نفس خویش را می‌خواند» نک: سوره ق، آیه ۲۲ و سوره هود، آیه ۴۶).

به عقیده ملاصدرا، از جمله دلایل این که انسان موجود در آخرت از ماده طبیعی پدید نیامده، بلکه از صورت نفسانی ادراکی پدید آمده است، آیات شریفه «و ننشکم فی مالاتعلمون؛ و شما را به صورتی که اکنون از آن بی‌خبرید برمی‌انگیزانیم» (سوره واقعه، آیه ۶۱) و «ان کتاب الابرار لفی علیین؛ امروز نکوکاران عالم با نامه اعمالشان در بهشت علیین روند» (سوره مطفین، آیه ۱۸) است. روشن است که آن چه در علیین است از ماده جسمانی آفریده نشده است. پس انسان در قیامت از معلوم و معتقد خود تکون یافته است اگر معلوم او از باب شهوات مذموم و آرزوهای باطل و هواهای فاسد باشد، از اهل آتش است و اگر از باب امور قدسی و معرفت الهی و فرشتگان و کتب و پیامبران آسمانی باشد، قطعاً او از اهل ملکوت اعلی خواهد بود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۰-۲۹۶؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۶-۳۰ و ج ۷، ص ۴۴۱-۴۴۶؛ ملاصدرا، ۱۴۲۰، ص ۲۴۶-۲۵۰).

نحوه اعطای نامه عمل

ملاصدرا بر اساس آیات قرآن، نحوه اعطای نامه اعمال به انسان‌ها را در ارتباط مستقیم با صاحب نامه می‌شمارد. اگر صاحب نامه، مؤمن باشد نامه عمل او از بالا (علیین) و به دست راست او داده می‌شود و اگر شقاوتمند باشد، نامه عمل او از سجین و به دست چپ او داده می‌شود. نامه عمل مؤمن در بردارنده علوم، اعتقادات صادق و اخلاق حسنه است که مناسب با مقام علیین است و از سویی دست راست (همانند عالم معقولات) قوی‌تر است. از این رو، مؤمن نامه عمل خود را از بالا و با دست راست تحویل می‌گیرد. در نتیجه، تناسب محفوظ است. در مورد شقاوتمندان قضیه درست بر عکس است، یعنی نامه عمل آن‌ها از جنس دروغ‌های باطل، صفات شیطانی و شهوات حیوانی و ریاسات دنیوی است و از این رو، از سجین و به دست چپ آن‌ها داده می‌شود و در نتیجه در اینجا هم تناسب محفوظ است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۲؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۵).

وی در ضمن بیان مواقف قیامت نیز به مسئله نامه اعمال پرداخته است و انسان‌ها را با الهام از آیات قرآن کریم به سه گروه تقسیم کرده است. یک دسته مؤمنان‌اند که نامه عمل خود را از سمت

راست دریافت می‌کنند. (اصحاب یمین) دسته دیگر منافقان‌اند که نامه را از سمت چپ دریافت می‌کنند. (اصحاب شمال) دسته سوم کفارند که نامه عملی ندارند. او معطله، مشرکان و منکران متکبر را نیز در حکم کافر مطلق داخل می‌داند و تأکید می‌کند که منافق نیز در حقیقت داخل یکی از همین اقسام است و صورت اسلام برای او سودی ندارد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۳۱۴؛ ملاصدرا، ۱۳۸۶، ص ۳۸۲).

ملاصدرا در موارد دیگری دسته‌بندی‌های متفاوتی را از گروه‌های انسانی در قیامت به دست داده است از جمله با الهام از آیه شریفه «و کتّم ازواجاً ثلاثه...» (سوره واقعه، آیه ۷)، آن‌ها را به اصحاب یمین، اصحاب شمال و مقربان تقسیم کرده است (ملاصدرا، ۱۴۲۰، ص ۲۵۳). در مواردی نیز با تقسیم هر یک از این سه گروه، آن‌ها را به شش یا هفت گروه افزایش داده است (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۳۸ و ج ۱، ص ۳۷۸؛ ملاصدرا، ۱۴۲۲، ص ۴۵۹). او همچنین در موضعی دیگر انسان‌ها را در قیامت بر اساس تفاوت در اعمال، اخلاق، ملکات و اعتقادات، بر چهار دسته می‌داند که هر یک به صورتی خاص نامه عمل خویش را دریافت می‌کنند. این چهار دسته عبارت‌اند از:

۱. اهل برهان و یقین؛ یعنی کسانی که تصورات عقلی و تأملات قدسی و انجام خیرات و طاعات در آن‌ها غالب است. کتاب این افراد در علین است: «ان کتاب الابرار لقی علین...» (سوره مطفین، آیه ۲۱).

۲. اهل سلامت و حسن ظن به پروردگار؛ یعنی کسانی که انجام خیرات و حسنات و سلامتی از امراض نفسانی و مبادی گناه در آن‌ها غالب است (نک: سوره واقعه، آیه ۹۱ و سوره حاقه، آیه ۱۹-۲۰). این‌ها اصحاب یمین هستند و کتاب خود را از سمت راست دریافت می‌کنند: فاما من اوتی کتابه یمینه فیقول هاءوم اقرئوا کتابیه» (سوره حاقه، آیه ۲۵).

۳. اهل شک، انکار، نفاق و عداوت با اهل خدا؛ یعنی تکذیب کنندگان روز قیامت: «کلاب ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون» (سوره مطفین، آیه ۱۴). این‌ها منافقان فاجری هستند که به‌رغم داشتن استعداد کشف حقیقت و بررسی آن، به دلیل قلب مریض‌شان آن را نپذیرفته و پشت سر انداخته‌اند. از این‌رو، نامه‌های آن‌ها از پشت سر به آن‌ها داده می‌شود: «و اما من اوتی کتابه وراء ظهره فسوف یدعو ثوراً و یصلی سعیراً» (سوره انشقاق، آیه ۱۰-۱۲). ملاصدرا در ادامه، تأکید می‌کند که منافق در قیامت کتابی ندارد؛ زیرا کتاب او همان است که آن را

پشت سر انداخته است و تنها شیطان قرین و همراه اوست: «و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین» (سوره زخرف، آیه ۳۶).

۴. اهل جهل و تاریکی که با آتش شهوات خود می‌سوزند و بر قلوبشان مهر زده شده است: «ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم قشاة» (سوره بقره، آیه ۷). کتاب این عده در سجین است: «ان کتاب الفجار لفی سجین» (سوره مطففین، آیه ۷). جهال و مجرمان، سر به زیر دارند و همان اصحاب شمال اند که کتاب خود را از سمت پایین دریافت می‌کنند (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴۳۸-۴۴۱).

ملاصدرا پس از بیان چگونگی اعطای نامه‌های اعمال در قیامت با الهام از آیات قرآن کریم یادآوری کرده است که همه این کتاب‌ها و صحائف از اصل مقدس و بزرگی استنساخ می‌شود و این‌ها فروع آن اصل و ابوابی برگرفته از آن‌اند. به عقیده او آن اصل که ام‌النسخ و امام کتب است، کتابی عقلی است که همه صور ممکنات به صورت اعلی و برتر در آن هست و به جز مطهرون و عقول که از پلیدی‌های عالم حواس و وهم و وسواس منزّه‌اند به آن راه ندارند. از این‌رو، در قرآن پس از اشاره به نامه‌های اعمال اصحاب شمال می‌فرماید: «و کل شیء احصیناه فی امام مبین» (سوره یس، آیه ۱۲). در ابتدا همه حقائق اشیاء در آن نوشته شده است سپس علوم به صورت تفصیلی از آن متفرع می‌شود. امام مبین همان لوح محفوظ و لوح قضای الهی است. و چنانکه قرآن کریم می‌فرماید مفاتیح غیب و خزائن علوم و معارفی که مربوط به حوادث گذشته و آینده است، نزد او است: «و عنده مفاتیح الغیب...» (سوره انعام، آیه ۵۹) و «ان من شیء الا عندنا خزائنه» (سوره حجر، آیه ۲۱) «ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۵-۳۶».

مبانی

نظریه ملاصدرا در تبیین نامه عمل بر مبانی وجودشناختی و انسان‌شناختی متعددی استوار است که در زیر به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

تجرّد نفس و رابطه تأثیر و تأثری آن با بدن: ملاصدرا همچون دیگر حکمای اسلامی، انسان را موجودی دوساحتی می‌داند که ساحت نفس او از تجرّد برخوردار است. نفس مجرد به بدن وابسته

است و این رابطه و وابستگی امری است که به ادعای فلاسفه، همگان آن را به خوبی می‌یابند و نیازمند اثبات برهانی نیست. همه ما تأثیر آلام روحی را در بدن و آزرده‌گی روح را به سبب مشکلات بدنی می‌یابیم. ملاصدرا از همین مقدمه در تبیین خود از نامه عمل بهره گرفته است. او در آغاز تأکید می‌کند که هر عملی در نفس تأثیر می‌گذارد و تکرار عمل اندک اندک موجب پیدایش هیأتی راسخ در نفس می‌گردد و همین امر نقطه آغاز تبیین ملاصدرا از نامه اعمال قرار گرفته است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۰-۲۹۱).

اتحاد عالم و معلوم: از جمله مبانی‌ای که ملاصدرا در این تبیین از آن بهره گرفته است، اتحاد عالم و معلوم است که در حکمت متعالیه صدرایی به اثبات رسیده است. ملاصدرا آن‌جا که به بیان مواد اشخاص اخروی می‌پردازد بر این نکته تأکید دارد که انسان در قیامت از معلوم و معتقد خود تکون یافته است، اگر معلوم او از باب شهوات مذموم و آرزوهای باطل و هواهای فاسد باشد از اهل آتش است و اگر از باب امور قدسی و معرفت الهی و فرشتگان و کتب و پیامبران آسمانی باشد، قطعاً او از اهل ملکوت اعلی خواهد بود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ ملاصدرا، ۱۳۸۶، ص ۳۶۹؛ ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۲۰۵؛ ملاصدرا، ۱۴۲۰، ص ۲۴۹ و ملاصدرا، ۱۳۶۳، ص ۶۵۰). این بیان ملاصدرا در اینجا به سخن او در باب علم و عالم و معلوم باز می‌گردد و بر همان اساس استوار است و باید توجه داشت که چون نظریه اتحاد عالم و معلوم بر نظریه حرکت جوهری نفس مبتنی است، تبیین ملاصدرا از نامه عمل را نیز می‌توان بر نظریه معروف او یعنی حرکت جوهری مبتنی دانست.

تفاوت ماهوی دنیا و آخرت: چنان‌که گذشت، ملاصدرا در تبیین و توضیح تکوینی بودن جزای اعمال در آخرت بر این مطلب تأکید کرد که مواد سازنده اشخاص دنیوی عناصرند، در حالی که مواد اشخاص اخروی و متعلقات آن‌ها تصورات باطنی، تخیلات نفسانی، تاملات فکری و عقلی است. او این مدعا را بر تفاوت و ناهمجنس بودن دنیا و آخرت استوار ساخته است. به عقیده ملاصدرا بهشت‌ها، درختان، حورها، قصرها و دیگر آن‌چه در آخرت است صورت‌های معلق قائم به ذات‌اند که دارای حیاتی ذاتی‌اند و نفس انسانی با همه متعلقاتش به وجود واحد شخصی موجود است و وجودی که در عین حال از تکثر صور برخوردار است و با کنار رفتن پرده‌ها چشم‌ها تیز و کتاب نفس هر کس برای او آشکار می‌گردد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۵). بنابراین در تبیین صدرایی از نامه عمل تفاوت دنیا و آخرت و اقتضانات خاص هر یک مسلم و

پیش فرض انگاشته شده است. شاید از همین رو او تأکید می‌کند که در دنیا فعل مقدم بر ملکه و در آخرت ملکه مقدم بر فعل است (ملاصدرا، ۱۳۸۶، ص ۳۶۹).

وحدت حقیقت ملک و شیطان با ملکه

از جمله مقدماتی که ملاصدرا در بحث نامه اعمال به آن تصریح کرده و مبنای استشهاد به آیات و روایات برای تأیید تبیین او در مسئله نامه عمل است، یکی دانستن حقیقت ملکه با ملک و شیطان است. چنانکه او تأکید می‌کند هیئت‌های راسخ در نفس را در عرف حکمت، ملکه و در لسان شریعت، ملک و شیطان (به ترتیب در جانب خیر و شر) می‌نامند. به عقیده ملاصدرا حقیقت هر دو یکی است؛ زیرا آن چه برای ما اثبات شده، این است که ملکات نفسانی به صورت‌های جوهری و ذوات قائم و فعال در نفس تبدیل می‌شوند. او بر این مدعا به آیات و روایاتی نیز استشهاد می‌کند. از جمله شواهد او عبارت‌اند از آیات شریفه: «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائکه ان لا تخافوا...» آنان که گفتند پروردگار ما محققا خداوند و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان بر آنان نازل شوند که دیگر هیچ ترس و اندوهی ندارند (سوره فصلت، آیه ۳۰)؛ «هل انبئکم علی من تنزل الشیاطین تنزل علی کل افاک ائیم» آیا می‌خواهید من شما را آگاه سازم که شیاطین بر چه کسانی وارد می‌شوند (سوره شعراء، آیه ۲۲۱-۲۲۲)؛ «و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین» (سوره زخرف، آیه ۳۶). ملائکه و شیاطین در این دو آیه به معنای ملکه‌اند که از تکرار اعمال نیک و اعمال بد پیدا می‌شوند.

شاهد بعدی این حدیث شریف است که «من عمل حسنه کذا یخلق الله منها ملکا یتستغفر له الی یوم القیامه». بر اساس این روایت هر عمل حسنه‌ای که انجام دهیم خداوند از آن فرشته‌ای می‌آفریند که تا قیامت برای ما استغفار می‌کند. ملاصدرا پس از بیان این شواهد می‌نویسد «این مبدئی که نفس‌ها را به خیر یا شر بر می‌انگیزاند نزد حکما ملکه و در زبان شریعت ملک یا شیطان نامیده می‌شود» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴۴۳).

ثمرات و نتایج

تبیین فلسفه خلود: به عقیده ملاصدرا تنها بر اساس این مبنا که ملکات از ثبات و تجوهر ابدی

برخوردارند خلود اهل بهشت و جهنم را می‌توان تبیین کرد؛ زیرا اعمال و سخنان، اموری زوال پذیرند. اگر این دو منشأ ثواب و عذاب دائمی باشند مستلزم این امر نادرست است که به‌رغم از بین رفتن علت، معلول باقی بماند. افزون بر این امری که در زمانی متناهی رخ داده نمی‌تواند موجب ثواب یا عذابی نامتناهی شود. در نتیجه خلود اهل بهشت در بهشت و اهل جهنم در آتش به سبب ثبات در نیات و رسوخ در ملکات است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۳؛ ملاصدرا، ۱۳۸۶، ص ۳۶۹؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۳ و ج ۷، ص ۴۴۳؛ ملاصدرا، ۱۴۲۰، ص ۲۴۷-۲۴۸).

تبیین عدل جزایی خداوند: از جمله مهم‌ترین اشکالات مطرح در مسئله افعال الهی، تطابق جزا و پاداش با اعمال انسان و تبیین چگونگی رعایت عدالت در کیفر یا پاداش‌هاست. اگر کیفر و پاداش الهی اموری قراردادی باشند این اشکال رخ می‌دهد که چگونه ممکن است و چرا باید انسان به دلیل ارتکاب برخی گناهان به طور دائم کیفر و عذاب اخروی را تحمل کند. آیا این عدالت است که شخصی به دلیل انجام عملی معین و محدود به زمان و مکانی خاص، برای همیشه دچار عذاب شود. در حالی که خداوند تصریح می‌کند که «و ما انا بظلام للعبید» (سوره ق، آیه ۲۹). برای پاسخ به این اشکال راه‌حل‌های متعدد و متفاوتی و از جمله راه‌حل مبتنی بر تکوینی بودن کیفر و عقاب الهی ارائه شده است. تبیین ملاصدرا نیز از همین دسته راه‌حل‌هاست. بنابراین اگر این تبیین پذیرفته شود می‌توان به کمک آن یکی از مشکلات مهم در باب افعال الهی را با آن حل و فصل کرد.

سنجش و ارزیابی

نظریه ملاصدرا در تبیین نامه عمل از دو زاویه قابل بررسی است. نخست از جنبه سازگاری یا ناسازگاری با دیگر ابعاد اندیشه‌های فلسفی او و دوم از حیث سازگاری یا ناسازگاری آن با آموزه‌های دینی. در زیر به تفکیک به بررسی نظریه ملاصدرا از این دو حیث می‌پردازیم.

الف) نقد درونی: سازگاری / ناسازگاری درونی

تبیین ملاصدرا از نامه عمل نیازمند راست‌آزمایی با نظام فکری و به‌ویژه نظام انسان‌شناختی اوست.

نگاهی اجمالی به آرا و اندیشه‌های او در مباحث انسان‌شناختی و سعادت و شقاوت انسان نشان می‌دهد که او با تأکید بر نقش علم و عمل در استکمال و سعادت انسان، نفس را برای صورت‌های علمی همچون ماده می‌داند از این رو، این علوم و اعتقادات انسان هستند که حقیقت وجودی انسان را تشکیل می‌دهند. انسان وقتی به حد عقل بالفعل رسید چه به لحاظ عقل عملی به کمال رسیده باشد یا خیر، از ماده و حرکت منزّه است. کیفیت شقاوت و سعادت در بعد عملی نیز به این صورت است که انجام اعمال موجب تحقق هیأتی برای نفس می‌شود عبادات و طاعات موجب تحقق هیئت استعلایی برای نفس و گناهان و معاصی موجب تحقق هیئت انقادی برای آن است. انسان تا در دنیا است آثار این هیئت‌ها را ادراک نمی‌کند، ولی پس از مرگ وجود این هیئات موجب ادراک درد و عذاب می‌شود. البته، چون این هیئات از حقیقت نفس به دور است عذاب‌ها موقت است و از بین خواهد رفت.

اکنون با توجه به همین رویکرد در استکمال انسان و نیز با توجه به آن چه در مبحث نامه عمل به آن اشاره کرده است می‌توان به موارد متعددی از ناهماهنگی در اندیشه صدرایی پی برد:

۱. موضوع نامه عمل، دست‌کم در تبیین صدرایی از آن، همان‌طور که از بیان خود او نیز برداشت می‌شود، با مسئله ملاک کیفر و پاداش اخروی ارتباط وثیق دارد. اگر عذاب و پاداش اخروی را تکوینی بدانیم و نه قراردادی، ملاک کیفر و پاداش اخروی را می‌توان به دو صورت تصویر کرد و هر دو صورت طرفدارانی نیز دارد و در عبارات ملاصدرا نیز آمده است:

الف. ادراک صور باطنی و ملکوتی اعمال: براساس این نظریه هر عملی را که انسان در این دنیا انجام می‌دهد ظاهری دارد و باطنی. باطن اعمال به دلیل تعلقات دنیوی مان از ما پنهان است اما پس از مرگ و به‌ویژه در آخرت پرده‌ها کنار می‌رود و حقیقت آن‌ها مشاهده می‌شود. و همین عذاب و ثواب اخروی انسان‌ها را شکل می‌دهد. نظیر حرام‌خواری که شخص حرام‌خوار در همین دنیا آتش می‌خورد، ولی پرده‌ها مانع ادراک این حقیقت‌اند و از این رو، از حرام‌خواری به ظاهر لذت می‌برد در حالی که حقیقت آن عذاب است. براساس این نظریه حقیقت ثواب و عقاب دریافت خود اعمال و تجسم آنهاست. چنانکه در مسئله عذاب قبر، یکی از تبیین‌های ملاصدرا بر همین مبنا استوار است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۲۰).

ب. انشاء عذاب و پاداش از سوی نفس: براساس این نظریه با تکرار اعمال، در نفس انسان

ملکاتی شکل می‌گیرد که این ملکات به صورت‌های جوهری تبدیل می‌شوند و عذاب یا ثواب را ایجاد می‌کنند. تحقق ملکات نفسانی موجب انشای حقیقت‌های دردآور یا لذات آور از سوی نفس می‌گردد. براین اساس عذاب و ثواب از آثار و ساخته ملکات نفسانی است که البته، این بروز فعلیت و خالقیت در پی جدایی از بدن و رهایی از قفس و زندان عالم ماده است (ملاصدرا، ۱۳۸۶، ص ۳۹۸؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۳).

اکنون به نظر می‌رسد نظریه ملاصدرا در بحث نامه عمل از این حیث که بر کدام یک از این تبیین‌ها استوار است ابهام دارد؛ زیرا عبارات او میان این دو نظریه مردد است. چه بسا در نگاه نخست احتمال جمع میان این دو نظریه به ذهن رسد اما باید یادآور شد که اگر جمع به معنای تفکیک در اعمال باشد به این صورت که عذاب و پاداش برخی از اعمال بر اساس نظریه نخست و برخی دیگر بر اساس نظریه دوم اعطا می‌شود، این تفکیک نه ملاک روشنی دارد و نه شواهد قابل قبولی می‌توان به سود آن اقامه کرد، اما جمع به این معنا که هر عملی هر دو نوع پاداش یا عذاب را در برداشته باشد، پذیرفتنی نیست؛ زیرا اگر این امر مراد بود اولاً می‌بایست به آن تصریح می‌شد در حالی که عبارات ملاصدرا مردد میان دو طریق است نه جامع میان دو طریق. ثانیاً کیفر و پاداش بر اساس ملاک دوم در عبارات ملاصدرا تنها در حوزه اعمالی مطرح شده که به صورت ملکه در آمده‌اند و دیگر اعمال را در بر نمی‌گیرد. باید توجه داشت که نمی‌توان گفت که به همین صورت، تردد در عبارات ملاصدرا را می‌توان برطرف کرد؛ یعنی اعمالی که به صورت ملکه در آمده‌اند به ملاک دوم و بقیه اعمال به ملاک نخست موجب کیفر و پاداش‌اند؛ زیرا در عبارات ملاصدرا قرینه‌ای بر آن نمی‌توان یافت.

ملاصدرا، چنانکه گذشت، بحث خود را با شکل‌گیری ملکات و نقش بستن آن‌ها در لوح نفس آغاز می‌کند که ملکات، آثار افعال و اعمال و عقاید ما هستند و بروز و ظهور حقیقت نفس را نشر نامه عمل دانسته است. البته، او گاهی نیز از ثبت اعمال و عقاید سخن به میان آورده است. با این وصف در عبارات او بر ثبت و ضبط اعمال و اندیشه‌ها، آثار آن‌ها و نیز ملکات تصریح شده است و در مجموع به نظر می‌رسد که مراد او جمع میان این سه امر است؛ زیرا افزون بر اشاراتی که در الحکمة المتعالیه به این امر دارد در تفسیر خود و ذیل آیه شریفه «لیرو اعمالهم» (سوره زلزله، آیه ۶) تأکید کرده است که برخلاف برخی که در این آیه جزء را در تقدیر دانسته‌اند برای اهل

تحقیق ثابت شده است که صور اخروی، صورت‌های قلبی اعمال و نیات باطنی افراد است و آن صور چه دردآور و چه لذت آور باشند هم اکنون در باطن افراد تحقق دارند، ولی مستور و مخفی‌اند و به دلیل خفا و ضعف آن‌ها آثار بر آن‌ها بار نمی‌شود و سرای آخرت سرای ظهور و بروز آن‌ها است (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴۳۵-۴۳۶).

چنان‌که ملاحظه می‌شود مراد ملاصدرا ثبت و ضبط تنها ملکات نیست، بلکه اعمالی که به سرحد ملکات هم نرسیده‌اند در نامه عمل نوشته می‌شوند. او در ادامه همین بحث چنین اظهار می‌کند که انسان پس از بحث همه اعمالی را که انجام داده است در میزان عمل یا کتابی که هیچ کوچک و بزرگی را فروگذار نکرده است، مشاهده می‌کند. و آن کتاب، یا صحیفه ذات اوست یا صحیفه‌ای بالاتر (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴۳۷).

در مجموع تبیین صدرا از نامه عمل از این حیث آشفته به نظر می‌رسد. اگر مراد او بازتاب اعمال، اندیشه‌ها و ملکات نفسانی در نفس است آغاز بحث با ملکات و تأکید بیش از حد بر آن‌ها وجهی نخواهد داشت.

۱. ملاصدرا در بحث نامه عمل، ملکات حاصل از تکرار اعمال را ثابت دانسته و خلود در عذاب را از این طریق توجیه کرده است (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۰۹). این امر با آن چه او در بحث سعادت و شقاوت مبنی بر زوال هیئات حاصل از انجام اعمال مطرح کرده (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۳۴-۱۳۵) ناسازگار می‌نماید؛ زیرا نتیجه زوال هیئت‌ها موقتی بودن عذاب خواهد بود.
۲. در تبیین صدرا از نامه عمل در چند مورد از موجودات عقلی و یا صحائف بالاتر سخن به میان آمده است. نخست آنجا که ملاصدرا از نویسندگان نامه عمل یاد می‌کند و با الهام از قرآن کریم آن‌ها را کرام الکاتبین می‌نامد که فرشتگانی منزله از پستی جسمانیت و در ذات و فعل مجزّدند. مورد دوم آنجاست که ملاصدرا سخن از ثبت اعمال در صحیفه‌ای بالاتر از نفس به میان آورده و به آیات شریفه «فی صحف مکرمه مرفوعه مطهره بایدی سفره کرام بره» استشهاد کرده است. و سومین مورد آنجا که ملاصدرا در تفسیر خود از استنساخ نامه‌های اعمال از صحیفه‌ای بالاتر سخن می‌گوید که به عقیده او صور همه ممکنات را به صورت اعلی و برتر در خود دارد. به نظر می‌رسد که تبیین ملاصدرا از ربط و نسبت نامه اعمال با موجودات عقلی دارای ابهاماتی است. برخی از این ابهامات عبارت‌اند از:

۱. بر اساس تبیین صدرایی از نامه عمل چه نیازی به نویسنده نامه وجود دارد. اگر هر انسانی عملی را که انجام می‌دهد تأثیری در نفس دارد و اعمال در نفس نقش می‌بندند و در آخرت حقیقت نفس بروز و نمود می‌یابد، فرشتگان در تثبیت اعمال و ملکات چه نقشی ایفا می‌کنند که شایسته نام نویسنده‌اند و از اساس چه نیازی به آنهاست.

۲. تأثیر هر یک از اعمال ما در صحیفه‌ای بالاتر که ملاصدرا مدعی آن است، دقیقاً به چه معنا است. آیا این تأثیر با تأثیر در نفس از یک نوع است یا آن که دو نوع متفاوت از تأثیرند. آیا مراد از تأثیر در صحیفه بالاتر، علم آن‌ها به اعمال ماست یا تأثیری فراتر از آن. مراد از این صحائف نیز آیا علل بالاتر از نفس است یا موجودات دیگری که در سلسله علل نفس انسان نمی‌گنجند.

۳. ملاصدرا مدعی است که نامه‌های اعمال ما از صحیفه بالاتری استنساخ می‌شوند. با توجه به این که به عقیده ملاصدرا نامه‌های اعمال همان لوح نفس است که اعمال در آن ثبت و ضبط است استنساخ لوح نفس از لوحی عالی‌تر چگونه قابل فهم است و آیا چنین امری موهّم جبر نیست.

ب) نقد بیرونی: سازگاری / ناسازگاری با آموزه‌های دینی

۱. ملاصدرا تصریح کرده است که حقیقت ملکات همان ملک و شیطان در زبان دین است. او در تعلیل مدعای خود می‌نویسد: «الان المحقق عندنا ان الملكات النفسانيه تصير صوراً جوهريه و ذواتاً قائمه فعاله في النفس تنعيماً و تعذيباً...». اولاً، این مدعا که مراد از ملکات همان ملک و شیطان در زبان دین است نیازمند اثبات است به‌ویژه که شواهد قرآنی و روایی ملاصدرا که پیش از این به آن‌ها اشاره شد، ناظر به انجام اعمال است نه تکرار اعمال که در نتیجه آن ملکات حاصل می‌شوند. از این‌رو، مبدئی که ملاصدرا آن را مطرح می‌کند هرچند در زبان حکما حاصل از تکرار عمل باشد، ولی در زبان دین این‌گونه نیست.

ثانیاً، او از صورت‌های جوهری حاصل‌آمده از ملکات، با تعبیر «قائمه فعاله في النفس» یاد کرده است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۳) و بر این عقیده است که موجودات اخروی نظیر حوریان، قصرها، درختان، و... در ردیف صور معلق یعنی موجودات مثالی‌اند و از این‌رو، از حیات ذاتی برخوردارند. برخلاف موجودات دنیوی که آن‌ها را دارای ماده جسمانی می‌داند که صورت

یا نفسی از خارج بر آن‌ها عارض شده و اجسام حیوانی آن‌ها دارای حیاتی عرضی است. از سوی دیگر او تأکید می‌کند نفس انسان با همه آن چه به آن تعلق دارد یعنی حور و... موجودی واحد و به یک حیات زنده است، اما در عین حال که از وحدت شخصی برخوردار است به لحاظ صور متکثر است. بنابر این حاصل سخن او این است که ملکات نفسانی، صور معلق و موجودات مثالی را در نفس انسان انشاء می‌کنند و در نتیجه ثواب و عقاب هر کسی بیرون از وجود او نیست و چنین مبنایی با ظواهر دینی سازگار به نظر نمی‌رسد.

۲. ارائه هر تبیینی از نامه عمل مستلزم نگاه جامع به همه اطراف مسئله و دیگر آموزه‌های دینی مرتبط با آن است، اما به نظر می‌رسد در این تبیین برخی آموزه‌های دینی مد نظر قرار نگرفته است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) نامه‌های اعمال امت‌ها: در قرآن کریم افزون بر نامه عمل هر فرد در قیامت که از جمله آیه شریفه «وکل انسان الزمانه طائره فی عنقه و نخرج له یوم القیامه کتابا یلقاه منشورا» به آن اشاره دارد (سوره اسراء، آیه ۱۳). از دو نامه دیگر نیز سخن به میان آمده است یکی نامه عمل هر یک از امت‌ها (سوره جاثیه، آیه ۲۸) و دیگری نامه عملی که پرونده همه انسان‌ها شمرده می‌شود (سوره کهف، آیه ۴۹ و سوره نبا، آیه ۲۹). تبیین ملاحظه‌ها از نامه عمل بر فرض پذیرش تنها نامه عمل فردی را در بر می‌گیرد و تبیینی از دو نامه دیگر به دست نمی‌دهد.

ب) شهادت اعضا و جوارح: بر اساس آیات و روایات خداوند در قرآن اعضا و جوارح انسان را به شهادت می‌طلبد. این شهادت به دو گونه است: شهادت قولی و شهادت عینی. شهادت قولی نظیر آیه شریفه «لم شهدتم علينا قالوا انطقنا الله الذی انطق کل شیء» (سوره فصلت، آیه ۲۱) و شهادت عینی این است که گزارش از مشهود با ذات وجود است نه گفتار و کردار. چنانکه مفسران ذیل آیه شریفه یوم ینفخ فی الصور فتاتون افواجا (سوره نبا، آیه ۱۸). این حدیث نبوی را نقل کرده‌اند که عده‌ای در قیامت به صورت حیوان محشور می‌شوند (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۹-۱۰، ص ۶۴۲)؛ یعنی تمامی هستی شان بر خلق و خویشان شهادت می‌دهد. اگر کسی به صورت سگ محشور شود هستی او حاکی از درنده خوئی اوست و اگر به صورت موجه باشد هستی او شاهد طماع بودن اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۳۹۱-۳۹۳). با توجه به این نکته اگر نامه اعمال صحیفه نفس انسان باشد لازم است دست کم توجیه دقیق و درستی برای شهادت قولی اعضا و

جوارح اقامه‌شود. و اصولاً وجه نیاز به این شهادت روشن گردد به‌ویژه که این شهادت بر اساس برخی روایات تنها علیه اهل عذاب است و کسانی که نامه عمل آن‌ها به دست راست ایشان داده می‌شود شهادت اعضا و جوارح ندارند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲).

ج) احکام قرآنی اعمال در نظام کیفر و پاداش اخروی: در قرآن کریم احکام خاصی برای اعمال انسان‌ها و چگونگی محاسبه آن‌ها در آخرت بیان شده است و روایات متعددی نیز به آن پرداخته که از مسلمات دینی به شمار می‌روند. از جمله این احکام موارد زیر است:

۱. گناہانی مانند قتل موجب انتقال حسنات صاحبش به دیگران می‌شود (سوره مائده، آیه ۲۹). در روایت است که پیامبر (ص) فرمود: در روز قیامت بنده‌ای را که کارهای نیکی انجام داده می‌آورند، ولی در نامه اعمالش چیزی دیده نمی‌شود، می‌پرسد: پس کجاست کارهای خوبی که در دنیا انجام دادم؟ گفته می‌شود: با غیبتی که از مردم کردی از بین رفت و در عوض به آن‌ها داده شد (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۱۶).

۲. گناہانی مانند گمراه کردن مردم، موجب انتقال مثل گناه غیر به انسان می‌شود (نه عین آن) (نحل: ۲۵) و نیز طاعتی منتقل‌کننده مثل حسنات دیگران به انسان‌اند (نه عین آن) (سوره یس، آیه ۱۲).

۳. برخی گناہان موجب دو برابر شدن عذاب و برخی طاعات موجب دو برابر شدن ثواب‌اند (سوره اسراء، آیه ۷۵؛ سوره احزاب، آیه ۳۰؛ سوره بقره، آیه ۲۶۱؛ سوره حدید، آیه ۲۸).

۴. پاره‌ای از حسنات موجب تبدیل سیئات به حسنات‌اند (سوره فرقان، آیه ۷۰).

۵. پاره‌ای از حسنات و هم‌چنین گناہان موجب می‌شود که نظیرش به دیگری برسد (سوره طور، آیه ۲۱).

۶. اجتناب از گناہان کبیره باعث محو سیئات است (سوره نساء، آیه ۳۱).

بنابراین تأمل در آیات قرآنی و روایات ناظر به آن‌ها نشان می‌دهد که اعمال انسان‌ها از حیث مجازات اخروی نظامی غیر از نظام اعمال در دنیا است؛ به عنوان مثال در دنیا نمی‌توان تصور کرد که کسی غذا بخورد، ولی دیگری سیر شود یا غذای خاصی را بجود، ولی غذای دیگری جویده شود، اما در قیامت بر اساس آیات فوق ممکن است عملی از کسی سرزند، ولی به دیگری مستند شود یا حکم شود که حسنات کسی از آن دیگری است (نک: طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۷۲-۱۷۵).

اکنون به تبیین ملاصدرا از نامه عمل باز می گردیم. براساس این تبیین چگونه می توان این آیات متعدد و روایات هم مضمون را فهم کرد. اگر اعمال و رفتار و سخنان ملکه راسخ در نفس انسان می شوند و نامه عمل انسان و مکشوف شدن آن موجب عذاب و پاداش می گردد چگونه تبدیل حسنات به سیئات و انتقال اعمال یا کیفر و پاداش آن ها به دیگران متصور خواهد بود. و چگونه می توان میان تبیین صدرای با آموزه های اسلامی در باب اعمال انسان را با نظام کیفر و پاداش اخروی قرآن جمع کرد.

نتیجه گیری

ملاصدرا براساس برخی مبانی فلسفی خود نظیر اتحاد عالم و معلوم، حرکت جوهری، وحدت حقیقت ملک و شیطان با ملکه و تبیین تفاوت ماهوی دنیا و آخرت، حقیقت نامه عمل را قلب و روح انسان دانسته است. این نظریه ثمراتی ارزشمند نظیر تبیین مسئله خلود در جهنم و نیز تبیین عدل جزایی خداوند دارد اما با توجه به تحلیلی که ارائه شد نمی توان آن را تبیین موفقی در مسئله نامه عمل به شمار آورد؛ زیرا اولاً در عرضه به نظام فلسفی خود ملاصدرا با پرسش ها و ابهامات متعددی روبه رو است. ثانیاً به نظر می رسد توفیق چندانی در ایجاد هماهنگی با آموزه های دینی در زمینه نامه عمل نداشته و از این رو، نیازمند تکمیل و اصلاح است.

فهرست منابع

- قرآن کریم. ترجمه: الهی قمشه‌ای.
- حسن بن محمد دیلمی. (۱۴۱۲ق). ارشاد القلوب. (ج ۱). قم: الشریف الرضی.
- عبدالله جوادی آملی. (۱۳۸۷). تفسیر تسنیم. (ج ۱۳). قم: اسراء.
- فضل بن حسن طبرسی. (۱۴۰۶ق). مجمع البیان. (ج ۹-۱۰). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- محمد بن یعقوب کلینی. (۱۴۰۷ق). الکافی. (ج ۲). تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۲۳ق). معادشناسی. (ج ۷). مشهد: نور ملکوت قرآن.
- طباطبائی، سید محمد حسین (علامه طباطبائی). (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن. (چاپ سوم، ج ۲). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبائی، سید محمد حسین (علامه طباطبائی). (۱۳۹۲ق). المیزان فی تفسیر القرآن. (چاپ دوم، ج ۷). قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۶). تفسیر القرآن الکریم. (چاپ دوم، ج ۱، ۴، ۵ و ۷). قم: یلدار.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۹۸۱م). الحکمه المتعالیه. (چاپ سوم، ج ۹). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۰). اسرار الآیات و انوار البینات. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه اسلامی.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۳). مفاتیح الغیب. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی و انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۸۶). الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه. سید جلال‌الدین آشتیانی. (چاپ چهارم). تهران: مؤسسه بوستان کتاب.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۴۲۰ق). مجموعه رسائل فلسفی. (چاپ دوم). تهران: حکمت.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۴۲۲ق). شرح الهدایه الاثیریه. (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پیام قرآن. (چاپ نهم، ج ۶). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. (چاپ دهم، ج ۱۲). تهران: دار الکتب الاسلامیه.